

## در مورد محکومیت هاشم آغاجری

بسمه تعالی

شماره ۴۲۵۲۷

تاریخ ۱۳۸۱/۹/۵

جناب آقای دکتر مهرپور

رئیس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه شماره ۴۱۵۹۱ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۶ معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور و ضمائم آن در خصوص حکم صادره علیه آقای هاشم آغاجری (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«به نام خدا»

جناب آقای مهرپور در هیأت بررسی شود تردید دارم که تخلف قانون اساسی خیلی آشکار و محکم باشد گرچه اصل حکم و ماجرا را قبول ندارم خسارات فراوانی هم داشته است. در بعضی مطالب ارایه شده بحث صغروی است و در بعضی موارد هم اگر باشد خلاف آیین دادرسی و مجازات اسلامی و... است به هر حال بررسی شود.»

سید علی خاتمی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۹۱۰

تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۴

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه شماره ۴۲۵۲۷ مورخ ۸۱/۹/۵ در خصوص بررسی حقوقی دادنامه صادره از شعبه چهارم دادگاه عمومی تهران در مورد آقای سیدهاشم آغاچری به وسیله معاونت حقوقی و پارلمانی ریاست جمهوری که ارجاع فرموده بودید ملاحظه و مطالعه شد و در هیأت نیز مطرح گردید.

به نظر می‌رسد بررسی مزبور بیش از آن‌که بیانگر مغایرت حکم صادره با اصول قانون اساسی باشد به عنوان یک لایحه دفاعیه برای مرحله تجدید نظر و طرح اشکالات شکلی مربوط به آیین دادرسی و احیاناً قوانین عادی ماهوی همان‌گونه که حضرت عالی در پی نوشت خود مرقوم فرمودید می‌تواند قابل استفاده باشد.

البته این اشکال مهم بر دادنامه صادره وارد است که تا حدودی به انشاءپردازی پرداخته و به خصوص در رابطه با صدور حکم اعدام در قسمت اول دادنامه با توجیهات مختلف بالاخره عدم اعتقاد متهم را به ضروریات دین مبین اسلام کشف کرده (در حالی که متهم خود را دیندار و معتقد می‌داند و برخی دیدگاه‌ها و برداشت‌های دینی را مورد انتقاد گزنده قرار داده) که قاعداً اگر درست باشد با تعریف رایجی که فقها از ارتداد دارند، ممکن است مرتد بودن متهم را نتیجه گرفت ولی دادگاه مجازات اعدام را به استناد صدر ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی که حکم سب‌النبی (و به تبع آن سب سایر معصومین) را اعدام قرار داده برای متهم تعیین کرده است در صورتی که در این قسمت از اتهام، سب‌النبی یا سبائمه علیهم‌السلام به متهم نسبت داده نشده است و ماده استنادی برای صدور حکم اعدام با اتهامات عنوان شده ظاهراً انطباق ندارد مگر این که توجیهات و تأویلات، و تفسیراتی در خصوص در حکم هم دانستن ارتداد و سب‌النبی

بشود که در حکم صادره چنین چیزی دیده نمی‌شود، ولی به هر حال این امر و سایر ایرادات وارد، باید در مرحله رسیدگی تجدیدنظر مورد توجه قرار گیرد و امید است با رسیدگی کاملاً حقوقی تصمیمی مستدل و سنجیده و عادلانه اتخاذ گردد. ضمناً آقای آغا جری طی نامه‌ای که با دستخط منسوب به ایشان برای هیأت ارسال شده از روند دادرسی و نحوه بازجویی از جمله تحقیقاتی که می‌تواند جنبه تفتیش عقاید داشته باشد و نیز نوع رفتار با وی شکایت نموده که قرار شد فعلاً از وکیل ایشان توضیحاتی اخذ شود. نتیجه بررسی هیأت حضورتان اعلام خواهد شد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۹۱۷

تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۱

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

پیرو نامه شماره ۸۱-۳۹۱۰ مورخ ۸۱/۱۰/۴ و عطف به نامه شماره ۴۹۱۷۳ مورخ ۸۱/۱۰/۴ همان‌طور که در آن نامه اشاره شده بود آقای دکتر سیدهاشم آغاچری طی نامه‌ای که جداگانه برای این هیأت ارسال کرده بود، ایراداتی به نحوه کار دادگاه همدان در دستگیری و بازداشت و بازجویی و... داشت و خواستار رسیدگی و اخذ توضیحات لازم از وکیل خود را نموده بود. طبق قرار قبلی وکیل ایشان آقای صالح نیکبخت به همراه مادر، همسر و خواهر نامبرده در محل هیأت حضور یافتند و در خصوص وضعیت آقای آغاچری توضیحاتی دادند.

تقریباً در خصوص نحوه رفتار با متهم در زندان و در مراحل بازجویی شکایت خاصی نداشتند، ایرادشان به نفس بازداشت و صدور قرار بازداشت بود که متناسب با این جرم نمی‌دانستند، وکیل متهم اظهار می‌داشت، ابتدا قرار وثیقه صادر شد و پس از چندی قاضی دادگاه اقدام به تشدید قرار نمود و قرار وثیقه صادره را به قرار بازداشت تبدیل کرد ولی رییس دادگستری با تشدید قرار مخالفت نموده و تأمین وثیقه را کافی می‌دانست ولی پس از گذشت مدتی مجدداً رییس دادگاه قرار وثیقه را به بازداشت تبدیل و با توجه به غیبت رییس دادگستری آن را به نظر معاون دادگستری استان رسانده و تأیید آن را گرفته است. به هر حال در حال حاضر که برای متهم، علاوه بر حکم زندان و شلاق حکم اعدام نیز صادر شده، وی با همان قرار بازداشت موقت زندانی است تا وضعیت حکم صادره در مرحله تجدیدنظر در دیوان کشور مشخص شود.

نسبت به نوع بازجویی و تفتیش عقاید که در بند ۲ نامه آقای آغاچری آمده است، وکیل متهم موضوع را تأیید می‌کرد و می‌گفت نوع سؤالات که در واقع برای پی‌بردن به

عقاید درونی متهم مطرح می‌شود، و در پرونده موجود است نوعی تفتیش عقیده محسوب و مشمول ممنوعیت اصل ۲۳ قانون اساسی است، البته ما پرونده و مستدرجات آن را مشاهده نکردیم که بتوانیم دقیقاً صحت و سقم این اظهارات را احراز نماییم.

از اطلاعاتی‌های دادگستری همدان و مصاحبه رییس دادگاه و نحوه اظهارات در مورد آقای آغاجری در حالی که هنوز حکم صادره قطعی نشده و صحت اتهامات انتسابی نهایی نشده، سخت گله‌مند بودند و آن را خلاف قانون و اخلاق می‌دانستند. مسأله برگزاری غیرعلنی دادگاه نیز طبعاً همان‌طور که در نوشته خود آقای آغاجری آمده مورد ایراد بود.

خانواده آغاجری که به هیأت آمده بودند به نظر کاملاً مذهبی می‌رسیدند، به ویژه مادر ایشان که پیرزنی متدین و بسیار متأثر از وضعیت پیش آمده برای فرزندش و نوع اتهام انتسابی به وی بود می‌گفت من بچه‌هایم را برای خدمت به دین و قرآن تربیت کردم، یک پسر در جبهه شهید شد و این یکی هم پای خود را در جبهه از دست داده و همواره با قرآن و حدیث و احکام دین سر و کار داشته است چگونه متهم به بی‌دینی و ارتداد و... می‌شود.

خانواده آقای آغاجری، گذشته از اعتراض به اصل حکم و زندانی بودن او، از زندانی بودن وی در همدان و دشواری‌هایی که برای رفتن به شهرستان و ملاقات با ایشان وجود دارد شاکی بودند و درخواست انتقال او را به تهران داشتند.

در مجموع به طور خلاصه در این رابطه ملاحظات زیر حضورتان معروض می‌گردد:

- ۱- از ملاحظه سخنرانی پیاده شده آقای آغاجری در همدان که عمدتاً به نقل و تجزیه و تحلیل اندیشه‌های مرحوم دکتر شریعتی و دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه دینی آن مرحوم مربوط می‌شود با این که گاه همراه با انتقادات گزنده و تعبیرات تلخ و موهنانه‌ای می‌باشد سب پیامبر (ص) و امام (ع) و حتی انکار ضروری دین، دیده نمی‌شود و بنابراین با وجود اظهار متهم به دینداری و نداشتن قصد انکار ضروریات دین و یا نعوذبالله سب و شتم پیامبران و امامان و با وجود قاعده: *تدرء الحدود بالشبهات*، اصدار حکم بر اعدام متهم به این اتهامات آن هم در این برهه زمان و در مورد چنین فردی از شگفتی‌های

زمانه ماست. ولی به هر حال چون پرونده در مرحله تجدیدنظر قرار دارد و تشخیص قضایی حکم و موضوع با دادگاه عالی مرجع تجدیدنظر است، طبیعاً باید منتظر رسیدگی عادلانه و تصمیم عادلانه آن مرجع بود.

۲. اگر اظهارات آقای آغاچری در بند ۲ نامه خود که مورد تأیید وکیلش نیز بود، درست باشد طرح سؤالاتی برای به دست آوردن نظر متهم در خصوص برخی از موضوعات و کنکاش در کشف عقاید او، تفتیش عقیده محسوب، و خلاف اصل ۲۳ قانون اساسی می‌باشد.

۳. صدور قرار بازداشت متهم به خصوص تبدیل قرار وثیقه به بازداشت آن هم با وجود یک بار مخالفت رییس دادگستری با آن حسب اظهار وکیل متهم، امر نامتناسبی است هر چند به هر حال تصمیم‌گیری در این خصوص به عهده قاضی گذاشته شده است. در حال حاضر نیز با توجه به این که هنوز حکم صادره قطعی نشده و متهم با قرار بازداشت در زندان به سر می‌برد، هر چند بر خلاف رویه جاری است که قرار بازداشت محکوم به اعدام را تبدیل نمایند ولی منع قانونی ندارد و اگر این تبدیل صورت گیرد کار پسندیده‌ای است ولی در هر حال مناسب است اگر صلاح می‌دانید مذاکره‌ای بفرمایید حداقل محل زندان وی از همدان به تهران تبدیل گردد.

۴. با توجه به اصل ۳۹ قانون اساسی که هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر و بازداشت شده به هر صورت ممنوع می‌باشد، نوع اطلاعیه‌ها و اعلام حکم صادره قبل از قطعی شدن و نحوه اظهارات منعکسه در مصاحبه‌ها، طبیعاً با مفاد این اصل هماهنگی ندارد و مغایر با آن به حساب می‌آید.

۵. با وجود نظریات و استنباطات مختلف حقوقی که در مورد جرم سیاسی و برگزاری علنی دادگاه با حضور هیأت منصفه وجود دارد و برخی از آنها قابل توجه است به لحاظ عدم تصویب قانون مربوط به تعریف جرم سیاسی هنوز تصمیم و تشخیص قاضی دادگاه به برگزاری غیرعلنی دادگاه و بدون حضور هیأت منصفه را به ضرر قاطع، نمی‌توان خلاف اصل ۱۶۸ قانون اساسی اعلام کرد، هر چند مقبولیت این تصمیم محل تردید می‌باشد.

۶- تسریع در رسیدگی و در عین حال فارغ از تنش‌ها و جوسازی‌های پیرامونی در مرحله تجدیدنظر، از خواسته‌های وکیل و خانواده متهم است که تمهیدات جناب‌عالی نیز می‌تواند در این امر مؤثر باشد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره: ۸۱-۸۸۶۲

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۰/۲۴

جناب آقای شیرج  
رییس محترم نهاد قوه قضائیه

با سلام

نامه شماره ۸۱-۳۹۱۷ مورخ ۸۱/۱۰/۱۱ هیأت پیکیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و سوابق آن در خصوص اعتراض آقای سیدهاشم آغاجری نسبت به نقض حقوق خود (تصاویر پیوست). به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید. پی نوشت فرمودند:

«بسمه تعالی

حضرت آیه الله آقای هاشمی شاهرودی ریاست محترم قوه قضائیه، ملاحظه فرمایند. صرف نظر از محتوای پرونده که مراحل خود را طی می کند، مطمئنم عنایت ویژه جناب عالی می تواند مشکل را به نحو مطلوب تری حل کند و هزینه ها را کاهش دهد و به هر حال با رعایت موازین و عدالت با صلاح دید حضرت عالی، که بهتر از ما به موازین فقهی و حقوقی آشنا هستید، می توان نقطه پایان مناسبی را یافت که هم حیثیت و مصلحت نظام و جامعه را تأمین کند و هم خلاف ضوابط قضایی رفتار نشده باشد و هم انسانی که دارای سوابق دینی، علمی و انقلابی روشنی است دچار مشکل نشود. مطلب عیناً جهت استحضار تقدیم می شود. با احترام»

سید علی خاتمی

رونوشت:

- جناب آقای دکتر مهرپور

رییس محترم هیأت پیکیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی



شماره ۱۹۹۹۴۱۸۱

تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۳

جناب آقای مهندس سید علی خاتمی  
رییس محترم دفتر ریاست جمهوری

با سلام

بازگشت به شماره ۸۸۶۲-۸۱/م مورخ ۸۱/۱۰/۲۴ در مورد اعتراض آقای سید هاشم  
آغاچری، نامه آن دفتر و ضمائم آن به نظر ریاست محترم قوه قضاییه رسید، به تاریخ  
۸۱/۱۰/۲۹ در هامش آن مرقوم فرمودند:

«بسمه تعالی - خدمت جناب حجت الاسلام والمسلمین  
خاتمی ریاست محترم جمهور عرض شود: این پرونده بحمدالله  
روند قضایی و قانونی تجدید نظر را به خوبی طی می کند و در  
یکی از شعب بسیار خوب و عادلانه و دقیق دیوانعالی در حال  
رسیدگی است که امیدوارم نقطه پایان خوبی داشته باشد و در  
رابطه با تخلف قاضی بدوی از مقررات قضایی طبق قانون متهم  
و یا وکیل آن حق شکایت به دادسرای انتظامی قضات را دارا  
بوده و معمولاً شکایت کرده اند که رسیدگی می شود و چنانچه  
تخلفی صورت گرفته قطعاً برخورد خواهد شد. والسلام  
علیکم.»

مراتب بدین وسیله اعلام می گردد تا به نحو مقتضی به استحضار ریاست محترم  
جمهوری رسانده شود.

محمود شیرج

رییس نهاد قوه قضاییه

## نظر کمیسیون حقوقی هیأت در مورد شکنجه منجر به فوت

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۲۳۱

تاریخ ۱۳۸۲/۴/۱۰

جناب آقای مهندس خاتمی

رئیس دفتر محترم رئیس جمهور

با سلام

به پیوست تصویر صورت جلسه و نظریه کمیسیون حقوقی هیأت در مورد اعمال شکنجه نسبت به آقای کمال حسنی منجر به فوت او و ایراد حقوقی وارده بر رأی دادگاه رسیدگی کننده به شکایت ولی دم جهت ملاحظه و عنداللزوم استحضار ریاست محترم جمهوری ارسال می گردد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

صورت جلسه مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۸ کمیسیون حقوقی

موضوع بحث: شکواییه آقای سلیمان حسنی مبنی بر فوت فرزندش به نام کمال

حسنی در اثر اعمال شکنجه

در تاریخ ۸۲/۲/۲۸ کمیسیون حقوقی هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی با حضور کلیه اعضا تشکیل گردید. پرونده موضوع بحث در حدود اسناد و مدارک پیوست آن مجدداً مورد بررسی قرار گرفت. دادنامه شماره ۱۰۸۶ مورخ ۸۱/۱۰/۱۴ صادر از شعبه محترم سی و یکم دیوانعالی کشور که در مقام تجدیدنظر نسبت به دادنامه بدوی صادر و توسط این کمیسیون مطالبه گردیده و اصل و پیوست گردیده است.

بدواً فروض مسأله با توجه به تصاویر مدارک پیوست به شرح زیر منعکس و سپس به اظهار نظر مبادرت می شود:

۱- شکایات متعدد آقای سلیمان حسنی ولی دم مبنی بر این که: «فرزند وی به نام کمال حسنی بیست و هفت ساله در تاریخ ۷۵/۵/۱۲ صحیح و سالم دستگیر و در تاریخ ۷۵/۵/۲۷ یعنی پس از ۱۵ روز در بیمارستان فوت و جسد بی جان او را تحویل وی می دهند در حالی که تمام اعضای بدنش در اثر ضرب و شکنجه سیاه و کبود شده و معلوم بود که در زیر شکنجه جان داده است و با وجود مشکوک بودن علت فوت و درخواست بشر قبر جهت معاینه جسد، این اجازه به وی داده نمی شود.»

۲- انعکاس موضوع در گزارش مشروح آقای محمدعلی خلیلی مشاور محترم

ریاست جمهوری در امور اهل سنت طی شماره ۱۷۴/ش.م سر مورخ ۷۷/۷/۱.

۳- گزارش مدیر کل حوزه وزارتتی (اطلاعات) طی شماره ۲۹۱۹۸ مورخ ۷۶/۹/۱۰

به عنوان دفتر رئیس محترم جمهور مبنی بر این که: «کمال حسنی در تاریخ ۷۵/۵/۲۲ به علت ناراحتی کلیوی به یکی از بیمارستان های شهر نقده منتقل شده، سپس با توجه به شدت بیماری به بیمارستان آیه الله طالقانی انتقال یافته... و ایشان فوت شده است.»

(برگ ۴۷ پرونده) با مقایسه تاریخ مذکور (۷۵/۵/۲۲) با تاریخ دستگیری وی (۷۵/۵/۱۲) مشخص می‌گردد که مجنی علیه حدود ده روز در اختیار متهم (.....) بوده است.

۴- در برگ شماره ۱۹ پرونده که ظاهراً تصویر برگگی از پرونده بالینی مجنی علیه می‌باشد پزشک معاینه کننده در ستون «تشخیص اولیه» اعلام نموده است: «اعزازی از نقده با حالت کما... جهت دیالیز... اورژانس... بیمار در حالت کما بدون پاسخ بوده.»

۵- اقرار متهم (.....) به شرح منعکس در گردش کار دادنامه شماره ۴۹۵ مورخ ۸۱/۶/۲۳ صادر از شعبه محترم دوم دادگاه نظامی یک استان آذربایجان غربی: با این عبارت: «در طول تحقیقات به منظور اخذ اقرار از مشارالیه (کمال حسنی) اقرار به تعزیر وی نموده...»

۶- در متن دادنامه مذکور نیز به این موضوع اشاره و به این عبارت در صدر دادنامه منعکس و استناد گردیده است که: «با عنایت به جمیع محتویات پرونده به ویژه اقرار صریح متهم در کلیه مراحل تحقیق و نزد محکمه اعمال آزار و اذیت بدنی به منظور اخذ اقرار از متوفی ثابت و محرز است.»

۷- ادعای متهم مبنی بر این که: «این اقدامات به دستور شفاهی قاضی دادگاه انقلاب بوده» طی دادنامه شماره ۵۰۹ مورخ ۸۰/۱۱/۶ بلا دلیل شناخته شده و حکم برائت قاضی مربوطه صادر و در متن دادنامه شماره ۴۹۵ مورخ ۸۱/۶/۲۳ هم منعکس و بالتیجه متهم (.....) به عنوان مباشر جرم معرفی گردیده است.

۸- رابطه سببیت و علیت بین فعل متهم (اذیت و آزار بدنی به منظور اخذ اقرار) و حدوث نتیجه (فوت مجنی علیه) به نظر دادگاه طی دادنامه اخیرالذکر محرز اعلام گردیده است. بنابراین با توجه به فروض فوق‌الذکر به شرح زیر نسبت به موضوع اظهار نظر می‌شود.

نظریه کمیسیون:

اولاً: طبق صراحت اصل سی و هشتم قانون اساسی: «هرگونه شکنجه برای گرفتن

اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست... متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.» بنابراین تعبیر این جرم منهی عنه به عنوان «تعزیر» بر خلاف نص صریح این اصل قانون اساسی است.

ثانیاً: طبق بند ۴ ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی «تعزیرات» جزء مجازات‌ها شناخته شده.

ثالثاً: طبق اصل سی و ششم قانون اساسی با قید کلمه «تنها»: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

بنابراین با توجه به اطلاق اصل سی و هشتم قانون اساسی و ممنوعیت اصل شکنجه برای اخذ اقرار توسط هر شخص یا مقام، علی فرض صحت اطلاق تعزیر به نوع آزار و اذیت موضوع بحث، اعمال و اجرای آن توسط مأمور اطلاعات یا ضابط دادگستری با توجه به مقررات اصل سی و ششم ممنوع بوده و قابل توجیه نمی باشد.

رابعاً: استناد دادگاه بدوی در مقام توجیه کبرای قیاس به بند «ب» ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی با این توجیه که: «فعل انجام شده نوعاً کشنده نمی باشد، توصیف قتل عمدی، قابلیت انتساب نخواهد داشت و به استنباط دادگاه مورد از مصادیق قتل شبه عمدی موضوع بند «ب» ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی خواهد بود.» صحیح به نظر نمی رسد، زیرا جرم موضوع بحث توسط مأمور دولت (نه فرد عادی) ارتکاب شده و قانونگذار به لحاظ اهمیت موضوع بحث فصل خاصی را در قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «فصل دهم - تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی» به منظور جلوگیری از این نوع افعال توسط مأمورین دولت و صاحبان قدرت، منظور و نوع جرم و مجازات مخصوص آن را در این فصل مقرر داشته است. از جمله در ماده ۵۷۸ در این فصل مقرر می دارد: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کنند، او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.»

نکاتی که در این ماده قید شده و توضیح آن ضروری به نظر می‌رسد:

الف - برای مرتکب قانون‌گذار دو مجازات مقرر نموده است:

۱- قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به عنوان مجازات اصلی

۲- مجازات حبس به عنوان مجازات اضافی.

ب - تنويع مذکور در مجازات اصلی با اضافه کردن کلمه «یا» در مقام بیان اختیار

مجنی علیه یا ولی دم بین دو مجازات (قصاص یا دیه) نمی‌باشد بلکه ناظر به ماده ۲۷۷

ق.م.ا. یعنی امکان قصاص یا عدم امکان آن می‌باشد. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه در

قصاص جرح رعایت تساوی ممکن نباشد مانند بعضی از جراحات‌های عمیق یا در موارد

شکسته شدن استخوان‌ها یا جابه‌جا شدن آن‌ها به طوری که قصاص موجب تلف جانی

یا زیاده از اندازه گردد باید دیه آن داده شود...» دلیل این توجیه علاوه بر مبانی فقهی

مقررات مذکور در ذیل ماده است که: «اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر

مجازات قتل و... خواهد داشت.»

ج - موضوع دیگر که در این رابطه باید به آن توجه شود این که عنوان اتهام در این‌گونه

موارد «اذیت و آزار یا شکنجه به قصد اخذ اقرار» می‌باشد که عناصر اصلی لازم در کلیه

جرایم یعنی «عنصر مادی، معنوی و قانونی» در این خصوص وجود دارد. نتیجه عمل

(«مصدوم یا مقتول شدن فرد») صرفاً مبین نوع مجازات برای متصدی امر و مرتکب

می‌باشد و به عبارت دیگر قصد و نیتی که در ماده ۲۹۵ و تنويع مجازات در آن قید و

مقرر گردیده در نتیجه عمل مجرمانه مذکور در ماده ۵۷۸ منظور نگردیده است. و به

عبارت واضح اصل جرم موضوع حکم این ماده همان «اذیت و آزار بدنی توسط

مستخدمین دولتی به منظور اخذ اقرار» می‌باشد که عنصر معنوی در آن وجود دارد و

نوع مجازات صرفاً تابع نتیجه عمل می‌باشد اعم از این که مجرم قصد نتیجه را داشته یا

نداشته باشد. بنابراین تلفیق ماده ۲۹۵ با ماده ۵۷۸ ق.م.ا. توسط دادگاه مرجع رسیدگی

طی دادنامه شماره ۴۹۵ مورخ ۸۱/۶/۲۳ و استدلال «به عدم اطلاع متهم از سابقه

بیماری متوفی و توصیف قتل عمدی قابلیت انتساب نخواهد داشت» صحیح به نظر

نمی‌رسد.

بنا بر آنچه گفته شد و با عنایت به فروضِ مسأله و احراز رابطه سببیت و علیت بین فعلِ متهم و حدوث نتیجه (فوتِ مجنی علیه) صریحاً توسط دادگاه و عدم ارایه و ابراز مدرکی مبنی بر سابقه بیماری کلیوی مجنی علیه، ممنوع بودن شکنجه اخذ اقرار طبق اصل سی و هشتم قانون اساسی و عدم صحت اطلاق تعزیر به عمل منهی عنه و عدم صحت اجرای آن در هر صورت توسط غیر دادگاه و یا دستور وی طبق نص صریح اصل سی و ششم قانون اساسی... استنباط و استنتاج دادگاه بدوی و تأیید دادنامه صادر از آن دادگاه توسط مرجع تجدیدنظر صحیح نبوده و بالنتیجه مورد از مصادیق نقض دو اصل (۳۶ و ۳۸) قانون اساسی به نظر می‌رسد.

## در مورد آقای عباس عبدی

به نام خدا

شماره ۸۲-۱۱۳۸۹

تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۲

جناب آقای دکتر مهرپور

رییس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۲ جناب آقای عباس عبدی در خصوص موضوع مورد اشاره،

به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای مهرپور

این چندمین نامه دادخواهی جناب آقای عباس عبدی است که البته دست کم یکی از آن به دست من نرسیده است. به هر حال حاوی مطالب مهمی است صرف نظر از این که در صورت صحت امر متضمن نقض قانون اساسی است. اصل مسأله نیز به لحاظ انسانی و اسلامی و اخلاقی درخور پیگیری است گرچه پیگیری‌ها نوعاً با مشکل روبه‌رو می‌شود چنانکه اقدام‌هایی نیز شده است و به جایی نرسیده است در عین حال چه در حیطه وظایف هیأت باشد چه نه، شما و دوستان هیأت نظارت و پیگیری شایسته‌ترین افراد برای بررسی و ارایه طریقید، علاقه‌مندم مرا در این باب کمک کنید.»

سیدعلی خاتمی



بسمه تعالی

شماره ۸۲-۵۹۲

تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۴

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۱۳۸۹-۸۲/م مورخ ۸۲/۱۱/۱۲ متضمن پی نوشت حضرت عالی در مورد شکواییه آقای عبدی. با توجه به این که نامبرده ضرب الاجل یک هفته‌ای برای رسیدگی قرار داده است لازم دانستم با توجه به سابقه امر تذکر و پیشنهادی بدهم و البته موضوع در اولین جلسه هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی نیز مطرح خواهد شد و نظر مشورتی اعضای هیأت حضورتان ارسال می‌شود.

در نامه جدید منتسب به آقای عبدی نامبرده از برخی تخلفات در محاکمه خود عدم ابلاغ حکم مربوط به بند د پرونده برای مدت ۵ ماه و عدم ارسال لایحه اعتراضیه به دادگاه تجدیدنظر پس از گذشت چهار ماه و ادامه نگهداری وی در بند غیر عمومی و قطع گاه به گاه ملاقات با خانواده‌اش و از همه مهمتر افشای یک مسأله مهم امنیتی توسط قاضی وقت دادگاه که قابل بررسی است اشاره کرده و روی این مسأله اخیر به خصوص تکیه کرده است. توجهتان را به نکات ذیل جلب می‌نمایم:

۱- همان‌طور که مستحضرید به فرموده حضرت عالی این‌جانب به اتفاق نماینده ریاست محترم مجلس شورای اسلامی در روزهای ۶ و ۷/۲/۸۲ در جلسه محاکمه مربوط به بند د پرونده آقای عبدی شرکت کردم. گزارش آن جلسات را حضوراً خدمت شما بیان کرده و کتباً نیز به شماره ۲۵۵۰-۸۲/م/خ مورخ ۸۲/۴/۲۲ حضورتان فرستادم. نکاتی در بندهای ۵ تا ۱۱ گزارش مزبور مورد اشاره قرار گرفته که قابل توجه است مخصوصاً بندهای ۶ و ۷ و ۱۱ که مرتبط با مطالبی است که در نامه فعلی آقای عبدی نیز مطرح شده است ولی هنوز هم این‌جانب از متن حکم صادره ابلاغ شده و مفاد آن اطلاعی ندارم.

۲- همان طور که طی دو گزارش شماره ۸۲-۲۹۴ مورخ ۸۲/۲/۲۴ و ۸۲-۵۰۹ مورخ ۸۲/۹/۲۶ خدمتتان ارسال داشتیم مسأله مربوط به بازداشت و محاکمه و محکومیت آقای عبدی و نیز آقای قاضیان در کمیته معاهدات و توصیه‌های یونسکو نیز مطرح شد و مورد سؤال اعضاء کمیته مزبور قرار گرفته و جلسه بعدی رسیدگی نیز به اواخر فروردین موکول شده است که بسنده خدمت جناب عالی و نیز وزارت امور خارجه گزارشی دادم که در این خصوص هر گونه پاسخی و توضیحی اگر لازم باشد قاعداً باید از سوی قوه قضاییه صورت گیرد که اطلاعی از نحوه انعکاس موضوع و اقدام قوه قضاییه ندارم.

۳- مسأله مهمی که آقای عبدی روی آن تأکید نموده و از بی‌توجهی به آن اظهار شگفتی کرده است موضوع افشاء مسأله امنیتی در ارتباط با نامه..... و ضمیمه آن می‌باشد که تصور می‌کنم اگر صلاح بدانید موضوع را به شورای عالی امنیت ملی که مناسب‌ترین مرجع برای رسیدگی این امر است ارجاع فرمایید که سریعاً رسیدگی کرده اطلاعات لازم را که حتماً در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد کسب کنند و نتیجه را برای تصمیم‌گیری خدمتتان اعلام دارند.

۴- از سوی جناب عالی و ظاهراً با توافق با ریاست محترم قوه قضاییه ظاهراً هیأت دیگری برای بررسی وضع زندانیان تشکیل شده که اجازت ملاقات با آن‌ها و بررسی وضع آنان را دارند که از جمله با آقای عبدی نیز ملاقات کردند چون بنده و اعضاء هیأت اطلاعی از عملکرد هیأت و کارهایی که انجام داده نداریم خوب است به خصوص اطلاعات صحیح را مخصوصاً در رابطه با مسایلی که آقای عبدی در نامه فعلی خود آورده که در حضور آقای وزیر بازرگانی مطرح شده است به دست آورید تا بر آن مبنا تصمیم مقتضی اتخاذ فرمایید.

۵- سرانجام تصور می‌کنم مناسب باشد این موضوع و برخی موضوعات مشابه که در گزارش‌های قبلی این هیأت هم خدمتتان عرض شد را در جلسه سران سه قوه یا در جلسه شورای عالی امنیت ملی به طور جدی مطرح فرمایید و اقدام جدی و شایسته قوه

قضاییه را در انداختن جریان امور در مسیر قانونی و پیگیری موارد تخلف بخواهید.  
۶- همان طور که حضورتان عرض شد موضوع در اولین جلسه هیأت نیز مطرح و اگر  
نظر جدیدی بود خدمتتان آرایه خواهد شد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۶۰۱

تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۰

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

پیرو نامه شماره ۸۲-۵۹۲/م مورخ ۸۲/۱۱/۱۴، همان طور که در ذیل نامه متذکر شده بودم موضوع در جلسه مورخ ۸۲/۱۱/۱۸ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی نیز مطرح و نظر اعضاء خواسته شد، اعضاء هیأت نیز با پیشنهاد مطرح شده این جانب در بند ۳ نامه فوق الذکر مبنی بر ارجاع موضوع افشاء مسأله امنیتی به شورای عالی امنیت ملی موافق بودند.

در ارتباط با اظهارات آقای عبدی مبنی بر این که از انتقال وی به بند عمومی خودداری می شود، جناب آقای شوشتری که عضو هیأت مشترک منصوب از سوی جناب عالی و ریاست محترم قوه قضاییه است در جلسه اظهار داشتند به آقای عبدی پیشنهاد شده به هر قسمتی که می خواهد و از جمله به بند عمومی منتقل شود، ولی ایشان محل نگهداری فعلی خود را ترجیح داده و مایل است در همین جا بماند و در هر حال منعی برای انتقال او نیست. همان طور که در نامه قبل عرض شد، اطلاعات بیشتر را در این زمینه هیأت مزبور می تواند به عرض جناب عالی برساند.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

## در مورد نامه عزت‌الله سبحانی

به نام خدا

شماره ۸۲-۶۸۶۱

تاریخ ۱۳۸۲/۷/۹

جناب آقای دکتر مهرپور

رییس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه جناب آقای عزت‌الله سبحانی (تصویر پیوست) در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۸ به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

جناب آقای دکتر مهرپور سریعاً در هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مطرح شود.  
جناب آقای شوشتری، جناب آقای شریعتمداری مطالب جداً درخور پیگیری است، امیدوارم همه مطالب صحت نداشته باشد و ناشی از سوء تفاهم باشد. اگر درست باشد برای همه باعث نگرانی است. مقام معظم رهبری به من فرمودند بازداشت در بازداشتگاه انفرادی از بدترین شکنجه‌ها است و لو همراه با شکنجه بدنی نباشد و بدتر از آن بلا تکلیفی‌های چند ماهه و احیاناً چند ساله. آیا کسی نباید به این مسایل بپردازد و بالاخره آن‌ها را روشن کند.

بسمه تعالی

شماره ۴۴۴-۸۲

تاریخ ۱۳۸۲/۷/۱۴

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه شماره ۶۸۶۱-۸۲/م مورخ ۸۲/۷/۹ متضمن پی‌نوشت حضرت‌عالی در مورد اظهارات آقای مهندس عزت‌الله سبحانی، موضوع در جلسه هیأت مطرح شد و مورد بحث قرار گرفت، طبق نظر اعضاء هیأت اگر موضوعات عنوان شده صحت داشته باشد که البته نظایر این اظهارات به مناسبت‌های مختلف دیگر نیز به هیأت واصل شده و به جناب‌عالی منعکس گردیده است نشان‌دهنده روندی است که آشکارا مغایر اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصول ۲۲، ۳۷، ۳۸ و ۳۹... در ارتباط با حقوق احاد ملت است و اخطار قانون اساسی رییس‌جمهور را به حکم وظیفه موضوع اصل ۱۱۳ قانون اساسی و ماده ۱۵ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی می‌طلبد متأسفانه هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی با توجه به سوابق مکاتباتی که در موارد مشابه داشته و سیله احراز میزان اعتبار و صحت اظهارات ابراز شده را ندارد و همکاری لازم با آن به عمل نمی‌آید. ضمن این که نحوه طرح مطالب نیز به گونه‌ای است که نمی‌توان آن را ادعای صرف و خالی از صحت دانست شاید دو نفر آقایانی که در این نامه، آنان را مأمور پیگیری فرمودید، بتوانند همکاری مقامات مربوطه را تحصیل کرده و گزارش دقیق و مستندی به جناب‌عالی بدهند تا تصمیم قانونی خود را اتخاذ فرمایید.

حسین مهرپور

مشاور رییس‌جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۲۷۱۴۲

تاریخ ۱۳۸۲/۷/۲۶

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای شوشتری

وزیر محترم دادگستری

جناب آقای شریعتمداری

وزیر محترم بازرگانی

با سلام

پیرو نامه شماره ۸۲-۶۸۶۱/م مورخ ۸۲/۷/۹ در خصوص نامه آقای عزت‌الله سبحانی، نامه شماره ۸۲-۲۴۴ مورخ ۸۲/۷/۱۴ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید. پی‌نوشت فرمودند:

«قابل توجه، پیگیری و اعلام نظر برادران جناب آقای

شوشتری و جناب آقای شریعتمداری.»

سیدعلی خاتمی

## در مورد وبلاگ نویسان

بسمه تعالی

شماره ۴۳۳۳-۸۳

تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۵

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

در ارتباط با نامه آقای مزروعی به جناب عالی در خصوص وضعیت بازداشت فرزندش آقای حنیف مزروعی که فرموده بودید موضوع در هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مورد بررسی قرار گیرد و نیز نامه آقای احمد محمدبیگلو در شرح ماجرای بازداشت و رفتارهایی که با همسرش خانم فرشته قاضی صورت گرفته که رونوشت آن برای هیأت ارسال شده (البته قبلاً اصل این نامه تحویل هیأت شده بود) و حضور جمعی از وبلاگ نویسان و مرتبطين با سایتها که برای تظلم و شرح آنچه در جریان دستگیری و دوران بازداشت بر آنها رفته اجمالاً نکاتی را جهت اطلاع و هر گونه اقدامی که مصلحت می دانید به استحضارتان می رساند:

۱- روز شنبه ۸۳/۱۰/۵ آقایان: مسعود قریشی، ارش نادرپور، حنیف مزروعی و خانمها: محبوبه عباسقلی زاده و فرشته قاضی به اتفاق همسرش احمد محمدبیگلو و در روز شنبه ۸۳/۱۰/۱۲ آقایان: روزبه میرابراهیمی به اتفاق خانمش و امید معماریان در جلسه هیأت حضور یافتند و مطالبی در خصوص نوع احضار، دستگیری، بازداشت، نوع اتهامات و بازجویی و نوع رفتار در دوران بازداشت و حتی پس از آزادی با وثیقه ابراز داشتند که حتی اگر همه ان اظهارات هم ثابت نشود و قسمتی از آنها درست باشد بسیار متأثرکننده، تأملبرانگیز و بر هر کس که در نظام جمهوری اسلامی ایران مسئولیتی به عهده دارد، این تکلیف را ایجاد می کند که تلاش و اقدامی جدی به عمل آورد و جملگی مشمول آیه شریفه: «واتقوا فتنة لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصة» قرار خواهند



داشت.

۲- خلاصه و عمدتاً اظهارات پنج نفری که روز شنبه ۵/۱۰/۸۳ در جلسه هیأت حضور یافتند بدین شرح بود:

الف: برخی تا ۹۵ و بعضی تا ۳۰ روز در بازداشت بودند که قسمت عمده مدت بازداشت آنها در سلول انفرادی بدون هواخوری و یا به مدت بسیار کم در بازداشتگاهی ناشناخته که از روی قرائن احتمال می‌دادند بازداشتگاهی در حوالی میدان کتابی و مربوط به اطلاعات ناجا باشد. عموماً ابتدا به اداره اماکن نیروی انتظامی در خیابان استاد مطهری برده شده و بعد از آنجا با چشم بسته آنها را به بازداشتگاه بردادند.

بسیاری از اوقات بازجویی با چشمان بسته و رو به دیوار بدون این که بازجو را ببینند انجام می‌شده است.

ب: عموماً از بدرفتاری بازجوها، فحش و به کار بردن الفاظ رکیک و کتک خوردن شکایت داشتند از بین این ۵ نفر خانم عباسقلی‌زاده اظهار داشت من کتک نخوردم ولی تهدید شدم.

ج: عموماً اظهار می‌داشتند پس از بازداشت اولین سؤالی که در مقام بازجویی و به عنوان متهم از آنها می‌شد این که کلیه روابط نامشروع و کارهای خلافی را که انجام دادند بنویسند و حتی گاه افراد خاصی را اسم می‌بردند که با این افراد رابطه نامشروع داشتی و باید مشروحاً آن را توضیح دهی و با انواع تهدیدها و گاه فشارهای فیزیکی و اشاره به اعترافات دیگران، می‌خواستند که به هر نحوی شده ارتباط نامشروع خود را تشریح نموده و بنویسند. اظهارات خانم فرشته قاضی که تازه ازدواج کرده در حضور همسرش و اعضاء هیأت در تشریح اعترافات یکی دیگر از متهمان دایر بر داشتن رابطه نامشروع و همچنین اظهارات خانم عباسقلی‌زاده در خصوص مواجهه دادن او با یکی دیگر از متهمان برای اثبات داشتن رابطه نامشروع به گونه‌ای بود که تأثر توأم با نفرت همه اعضاء هیأت را برانگیخت. این اظهارات توسط آقایان روزبه میرابراهیمی و امید معماریان که طرف‌های اعتراف و مواجهه آن روابط نامشروع بودند در جلسه روز شنبه

۸۳/۱۰/۱۲ تأیید شد. به راستی اگر این اظهارات دروغ نباشد و فکر اساسی برای علاج ریشه‌ای این نوع برخوردها در نظام قضایی، امنیتی و بازجویی‌های مربوطه نشود، باید گفت و علی‌السلام‌السلام...

د: از جمله کارهای متداولی که در جریان بازجویی آن‌ها صورت می‌گرفته، درخواست تکنویسی از آن‌هاست یعنی لیست اسامی افرادی عمدتاً از فعالین سیاسی را به آن‌ها می‌دادند و می‌گفتند هر چه می‌دانید در مورد آن‌ها بنویسید و از جمله روابط خود را با آن‌ها شرح دهید و خلاف‌کاری‌ها و فعالیت‌های آنان را مشروحاً بنویسید. ه: پس از فراغت از تثبیت اتهامات اخلاقی و به گفته متهمان شکستن و خورد کردن شخصیت آن‌ها، به اتهامات سیاسی پرداخته و اتهاماتی از قبیل اقدام علیه امنیت کشور، تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا معاونت در آن و امثال آن‌ها پرداختند.

۳- روز سه‌شنبه ۸۳/۱۰/۸ حدود ظهر در حالی که مشغول تنظیم یادداشت‌های جلسه شنبه ۸۳/۱۰/۵ برای ارسال به جناب‌عالی بودم آقای مرتضوی دادستان تهران زنگ زد و گفت: از مجموعه شما یعنی هیأت پیگیری شکایت شده و پرونده‌ای تشکیل شده است نزد آقای حسینی بازپرس گفتم: چه شکایتی از هیأت شده گفت: انتشار اظهارات متهمانی که در هیأت حضور یافتند به وسیله آقای ابطحی در سایت خود. و می‌دانید نشر این مسایل قبل از آن‌که در مورد صحت و سقم آن‌ها تحقیق شود جرم است و توضیحاتی در مورد غیرقابل قبول بودن اظهارات خانم قاضی که مورد ضرب و جرح قرار گرفته و بینی‌اش شکسته داد. و نیز گفت: شکایتی هم از هیأت به کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی از سوی متهمان دیگری که افشاگری کردند و در روزنامه و تلویزیون، مطالب را بازگو نمودند مطرح شده است و هم‌اکنون گفته می‌شود هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی همانند کمیسیون اصل ۹۰ زمان آقای انصاری راد شده است و به هر حال گفت شما باید آن دسته دیگر از متهمان یعنی آقایان: میرابراهیمی، امید معماریان، شهرام رفیع‌زاده و جواد تمیمی را نیز دعوت کنید در هیأت حضور پیدا کنند و اظهارات آن‌ها را هم استماع کنید. اسامی فوق را گفت یادداشت کنید و مؤکداً خواست که دعوت شوند. بنده هم گفتم شما به آن‌ها اطلاع بدهید ما آماده پذیرش

آن‌ها در جلسه هیأت و استماع اظهاراتشان هستیم، همان موقع آقای شوشتری وزیر دادگستری و عضو هیأت نیز زنگ زد و اظهار داشت مرا به مجلس احضار کردند تا راجع به مطالبی که در سایت آقای ابطحی انتشار یافته توضیح بدهم و به هر حال ایشان هم معتقد و موافق حضور متهمان معرفی شده از سوی آقای مرتضوی و استماع اظهارات آن‌ها بودند.

۴- روز شنبه ۱۲/۱۰/۸۳ آقایان روزبه میرابراهیمی به اتفاق همسرش و امید معماریان در جلسه هیأت حضور پیدا کردند و گفتند دو نفر دیگر حضور ندارند و موفق نشدند امروز بیایند.

برخلاف انتظار و تصویری که برای همه وجود داشت هر دو نفر از لحظه ورود مطالبی نظیر آنچه گروه قبلی گفته بودند در ارتباط با دستگیری و نوع رفتار با خود با التهاب بیشتری بیان داشتند مخصوصاً آقای معماریان با حالتی عصبانی و پرخاشگر و گاه توأم با گریه وضع خود را در جریان دوران بازداشت بیان می‌کرد. می‌گفتند پس از حضور گروه قبلی در هیأت و مطرح شدن اظهارات آن‌ها ما را به دفتر دادستانی خواستند و به ما گفتند این هیأت یک هیأت خود خوانده است و اعتباری ندارد شما مطلبی را بنویسید برای کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و در آنجا حاضر شوید و مطالب را بگویید و برای حضور در جلسه این هیأت نیز از ما خواسته شد که قبل از آمدن به هیأت حتماً به دادستانی برویم و با آقای مرتضوی ملاقات داشته باشیم که ما نرفتیم. به هر حال هر دو نفر اظهار می‌داشتند آنچه حنیف مزروعی و بقیه افراد جلسه اول از وجود فشارها و توهین و ایراد ضرب و مخصوصاً مطرح کردن مسایل اخلاقی در درجه اول گفتند صحیح است و بر ما نیز همان ترتیب صورت گرفته است. آقای میرابراهیمی مسأله اعتراف گرفتن از او برای داشتن رابطه نامشروع با خانم فرشته قاضی را تأیید کرد و آقای معماریان نیز مواجهه دادن و اعتراف کردن در مواجهه با خانم عباسقلی‌زاده به داشتن رابطه نامشروع با او را تأیید نمود و بد نیست بدانید هم خانم عباسقلی‌زاده با همه اعتماد به نفس و غروری که داشت وقتی ماجرای مواجهه‌اش با معماریان و اعتراف معماریان را نقل می‌کرد که البته می‌گفت احساسم این بود که تحت فشار این اعتراف را می‌کند، اشک در چشمانش جمع شد و گفت چگونه برای من یک زن

۲۶ ساله که بچه‌هایم دیگر به سن و سال معماریان هستند این مسایل را مطرح می‌کنند و هم آقای معماریان با عصبانیت و التهاب و حالت گریه این وضعیت را مطرح می‌کرد. آقای معماریان برای تشریح نوع فشارها به خصوص توهین و الفاظ بسیار زشت و رکیکی که در بیان اتهامات اخلاقی و اعتراف‌گیری از آن‌ها در بازجویی به کار می‌رفته و ترسیم آن فضا که برای درهم شکستن شخصیت آن‌ها بوده درخواست کرد چند دقیقه‌ای خانم آقای میرابراهیمی که در جلسه حضور داشت خارج شود تا بتواند گوشه‌ای از آن نوع اظهارات و برخوردها را بیان کند که طبعاً ادب اقتضا نمی‌کند آن بیانات در این نوشته منعکس شود.

۵- به هر صورت نکته مهم و قابل ذکر دیگر این که در نفر فوق مدعی بودند آنچه تحت عنوان افشاگری و بیان حقایق پس از آزاد شدن از زندان در روزنامه‌ها نوشتند و یا در تلویزیون گفتند تحت فشار بوده و به خاطر ترس از بازگشت به آن وضعیت مخوف سابق بوده است، می‌گفتند از وقتی آزاد شدیم مرتباً هر روز یا دو روز یک بار تماس می‌گیرند و یا احضارمان می‌کنند. آقای میرابراهیمی می‌گفت یک یا دو روز پس از آزاد شدن، بازجوییم با من تماس گرفت و قرار گذاشت در محلی او را ببینم در آن محل حاضر شدم راجع به نوشتن نامه و انتشار آن با من صحبت کرد و گفت آزاد شدن معماریان که آن موقع هنوز زندان بود موکول به انتشار این نامه از سوی شماست که آن متن را تهیه کردم و در روزنامه‌ها منتشر شد.

به هر حال مدعی بودند فشارها و تهدیدها و توهین‌ها و وضعیت خاصی که در آن محیط بسته ناشناخته برای آن‌ها به وجود آمده بود و ادارشان کرد که اعترافات دروغین علیه خود و دیگران به ویژه در زمینه مسایل اخلاقی بنمایند.

۶- نکته قابل توجه جو بی‌اعتمادی است که در این زمینه برای همه و مخصوصاً برای این افراد به وجود آمده و به همه چیز و همه کس با دید تردید و بی‌اعتمادی و ابهام در آنچه در آینده پیش خواهد آمد و ترس از سرنوشت نامعلوم خود می‌نگرند که گمان می‌کنم این بی‌اعتمادی به دیگران هم سرایت کرده و امر خطرناکی است که باید برای آن چاره اندیشید.

۷- جناب آقای رییس‌جمهور گزارش اجمالی دو ملاقات حضورتان داده شد وقت

جناب عالی را با تشریح جزئیات بیشتر نمی‌گیریم، علی‌الظاهر هیأت دیگری را که قاعدتاً توان و اختیار بیشتری دارد مأمور فرمودید در ارتباط با این اظهارات و این وقایع تحقیق کنند. امید است این توفیق را داشته باشند که حقیقت را کشف نمایند، اگر حتی قسمتی از آن اظهارات که نظایر آن از سوی افراد دیگر و در موارد دیگر نیز بارها اظهار شده، درست باشد، حقیقتاً کلام مولا در نهج‌البلاغه مصداق خواهد داشت که «لَوْ أَنَّ أُمَّراً مُسْلِماً مَاتَ بَعْدَ هَذَا أَسْفَا مَا كَانَ بِهِ مَلُوماً» و به هر حال نشان‌دهنده روند خطرناکی در نظام تعقیب و پیگیری جرم و مجرم و نظام دادرسی است که با اصول قانون اساسی و مبنای اسلامی آن مغایرت آشکار دارد. و عزم جزم همه مسؤولان تصمیم‌گیر را که به حفظ ارزش‌های واقعی نظام جمهوری اسلامی ایران و نه صرفاً حفظ ظاهری آن احساس وظیفه جدی می‌کنند برای علاج واقعه و جبران و اصلاح روش‌ها می‌طلبند.

در عین حال لازم به یادآوری است که حسب ادعاهای مطرح شده بسیاری از این اقدامات نادرست انجام شده در اداره اماکن و اطلاعات ناجا و بازداشتگاه‌های متعلق به نیروی انتظامی صورت گرفته است و طبق قانون نیروی انتظامی وابسته به وزارت کشور است. اگر صلاح بدانید سزاوار است از وزیر کشور خود نیز بخواهید در ارتباط با ادعاهای مطرح شده توسط زیرمجموعه خود و به ویژه بازداشتگاه‌های اختصاصی و غیررسمی گزارش کاملی خدمت شما ارائه دهد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

شماره ۱۳۹/۱/۸۳

تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۶

ریاست محترم هیأت نظارت و پیگیری قانون اساسی

جناب آقای دکتر مهرپور

سلام علیکم:

احتراماً با عنایت به شکایت معاونت اطلاعات نیروی انتظامی در پرونده کلاسه ۱۳۹/۱/۸۳ که تصویر آن به پیوست ارسال می‌گردد و با توجه به این که به موجب اعلام شکایت این نیرو در تاریخ ۸۳/۱۰/۶ موضوع ادعای آقای عیسی سحرخیز در مصاحبه با رادیو آلمان مبنی بر ایراد ضرب و شتم خانم فرشته قاضی منجر به شکستگی بینی توسط مأمورین نیروی انتظامی و با عنایت به این که مضمون همین مطلب به نقل از جلسه هیأت مذکور در سایت شخصی آقای محمدعلی ابطحی منعکس و مورد شکایت قرار گرفته و ذیل خبر از طرف آقای ابطحی نقل گردیده که جناب عالی به عنوان رییس جلسه فرمودید که مصوب نشده که اظهارات اولیه متهمین منتشر نشود و این جمله به عنوان جواز انتشار مطالب مذکور قلمداد شده است بناءً علیهذا با توجه به این که مطالب منعکس شده از جلسه آن هیأت محترم پیرامون اظهارات خانم فرشته قاضی مبنی بر این که بینی ایشان در اثر شکنجه مأموران نیروی انتظامی مصدوم و شکسته شده است (در سایت شخصی آقای ابطحی) خوراک رادیوهای بیگانه و ضدانقلاب خارج از کشور شده است و پس از اعلام شکایت نیروی انتظامی و هدایت و معرفی خانم فرشته قاضی به پزشکی قانونی و انجام بررسی و معاینات لازم توسط پزشکی قانونی تهران به موجب اظهار نظر کتبی و رسمی به شماره ۸۸۸/م/۱/۱۵-۸۳/۱۰/۱۵ که تصویر آن به پیوست ارسال می‌گردد ادعای خانم فرشته قاضی کذب و عاری از حقیقت اعلام گردیده است لذا با ارسال تصویری از نظریه پزشکی قانونی و اظهارات سایر متهمین مورد بحث که به عنوان گواه در این شعبه بازپرسی حاضر و از آنها تحقیق شده شایسته است ضمن توجه به مجموع مدارک و مستندات موجود ترتیبی اتخاذ نمایید تا آقای ابطحی